



دمای هوا در روزهای شنبه و یکشنبه (۶ و ۷ مرداد) به حدی افزایش یابد که برای سلامت مردم خطرناک باشد.

در ایران، موج گرما علاوه بر تعطیلی ادارات و تعدیل ساعات کاری در برخی شهرها، مصرف برق را نیز به شدت افزایش داده و باعث قطعی مکرر برق شده است. سخنگوی صنعت برق ایران از افزایش ۸٫۸ درصدی مصرف برق در روز چهارشنبه (۳ مرداد) نسبت به سال گذشته خبر داد و از مردم خواست تا ۲۰ مرداد که پیش‌بینی می‌شود گرما ادامه داشته باشد، در مصرف برق صرفه‌جویی کنند.

دیده‌بان اقلیمی اروپا اعلام کرده است که ۱۲ ماه گذشته، گرم‌ترین سال از زمان ثبت علمی دمای کره زمین بوده است. کارشناسان هشدار می‌دهند که در صورت عدم مهار گرمایش زمین، امواج هوای گرم تشدید خواهند شد. به گفته دانشمندان، گرمای شدید هوا نه تنها بر سلامت جسمی افراد تأثیر گذاشته و می‌تواند به کم‌آبی، آفتاب‌سوختگی و گرم‌زدگی منجر شود، بلکه بر سلامت روانی نیز اثرات قابل توجهی دارد در همین حال، دیده‌بان اقلیمی اتحادیه اروپا (کوپرنیک) اعلام کرد که روز یکشنبه ۳۱ تیر (۲۱ ژوئیه) گرم‌ترین روز ثبت‌شده در تاریخ بوده است. این رکورد جدید، نگرانی‌ها درباره تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین را افزایش داده و بار دیگر بر ضرورت کاهش تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی تأکید می‌کند.

رادیو فردا

ماهی‌ها بی‌آب، میان آتش .

در هورالعظیم چه می‌گذرد؟

روز یکشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۳، رییس حفاظت محیط زیست دشت آزادگان از تلف شدن هزاران بچه ماهی بومی در تالاب «هورالعظیم» طی روزهای گذشته خبر داد؛ روزهایی که کم‌آبی و آتش‌گرفتن بخشی از هورالعظیم تاب و توان از همه ساکنان منطقه گرفته‌اند . «هادی جلالی» در گفت‌وگویی با خبرگزاری «مانا»، علت مرگ بچه‌ماهی‌ها را کاهش اکسیژن ناشی از آلودگی،

اخبار و مقالات داخلی

تعطیلی گسترده ادارات و بانک‌ها در پی افزایش شدید دما در ایران



افزایش شدید دما در ایران منجر به تعطیلی گسترده ادارات و بانک‌ها در روزهای سوم و چهارم مردادماه شد. استان تهران با تعطیلی ادارات از ظهر چهارشنبه و ثبت دمای ۴۳ درجه در ورامین، گرم‌ترین روزهای خود را تجربه کرد . ساعات کاری در استان‌های آذربایجان شرقی و گلستان محدود و شعب بانک‌های دولتی در خوزستان در روز پنجشنبه تعطیل شدند. ادارات مازندران و البرز نیز ساعات کاری خود را کاهش دادند.

ادارات، دستگاه‌های اجرایی و بانک‌ها در سیستان و بلوچستان در روز چهارشنبه تا ساعت ۲ بعدازظهر و در روز پنجشنبه به‌طور کامل تعطیل شدند. استان‌های چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه و کرمان نیز ادارات و بانک‌های خود را در روز پنجشنبه تعطیل اعلام کردند. قم با پیش‌بینی دمای ۴۷ درجه در روز شنبه، هر دو روز چهارشنبه و پنجشنبه را تعطیل اعلام کرد . افزایش دما در هفته جاری و آینده ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود در پنج روز آینده دمای هوا در بیشتر مناطق کشور به ۵۰ درجه سانتیگراد برسد. شهر تهران نیز در روزهای شنبه و یکشنبه با دمای ۴۱ درجه، گرم‌ترین روزهای خود را در سه روز آینده تجربه خواهد کرد.

گرمای بی‌سابقه جهان رکورد زد؛ ایران در وضعیت قرمز

موج گرمای بی‌سابقه در جهان، رکوردهای پیشین را شکست و روز ۳۱ تیر (۲۱ ژوئیه) به عنوان گرم‌ترین روز سال تاکنون ثبت شد. در ایران نیز پیش‌بینی می‌شود



به ما آب برسانید

رئیس حفاظت محیط زیست دشت آزادگان گفته است: «در صورت عدم بهبود شرایط زیست محیطی و تامین نشدن حق آب تالاب، احتمال تلف شدن بچه ماهیان در عمق تالاب وجود دارد.»

زن جوانی که سالها است در سوسنگرد، دشت آزادگان و محله‌های حاشیه‌نشین اهواز به دنبال نشر آگاهی است، در پاسخ به سوالی از وضعیت آتش‌سوزی امسال هورالعظیم و حال و هوای منطقه آه بلندی می‌کشد و می‌گوید: «صید و صیادی نقش مهمی در تامین معیشت مردم منطقه دارد. تلف شدن بچه ماهی‌ها قبلا هم رخ داده اما امسال وحشتناک است. وضعیت نامساعد اکولوژیکی و استفاده غیرقانونی و مخرب از شوکرهای الکترونیکی، نگرانی‌هایی برای صیادان بومی منطقه به وجود آورده‌اند.» هورالعظیم پهنه آبی بزرگی است به مساحت ۴۵۰ هزار هکتار که تنها ۱۵۰ هزار هکتار آن در ایران قرار دارد و ۳۰۰ هزار هکتار آن در عراق واقع شده است. منبع اصلی تامین حق آب بخش عراقی تالاب هورالعظیم، رودخانه «دجله» است و منبع اصلی تامین حق آب در بخش ایران، رودخانه «دز»؛ هر دو گرفتار سدهای بسیار و خشک‌سالی و تغییرات اقلیمی.

در بخش ایران، سیاست‌های آبی نادرست جمهوری اسلامی مزید بر علت شده‌اند تا هر سال چالش‌های زیست محیطی در منطقه جدی‌تر از سال قبل شود.

دیگر شبیه تالاب نیست، لجن‌زار است

یک فعال محیط‌زیست شناخته شده در خوزستان که به دلایل امنیتی نمی‌خواهد نامش فاش شود، چند عکس از وضعیت اکنون تالاب ارسال کرده است و می‌گوید: «تصاویر، تکراری اما غم‌انگیزند؛ تعداد زیادی ماهی در بستر هورالعظیم تلف شده‌اند. این تالاب سالها است با مشکل تامین حق آب مواجه است. نه تنها مساله حق آب مرتفع نشده که محلی شده است برای تخلیه پسماندهای صنعتی و کشاورزی. در فصل گرم هر سال هم که باید منتظر آتش‌سوزی باشیم.»

به گفته این فعال محیط‌زیست، علت اصلی مرگ ماهی‌ها در بستر تالاب، افزایش دما، تبخیر زیاد و

افزایش شوری آب و کاهش عمق تالاب در نواحی ساحلی عنوان کرد و گفت:



«در روزهای اخیر حق آب تالاب هورالعظیم روندی کاهشی داشته است که امیدواریم با رایزنی‌های صورت گرفته با سازمان آب و برق خوزستان، حق آب این تالاب در تابستان به طور کامل تامین شود.»

میزان حق آب تالاب بین‌المللی هورالعظیم سالانه ۳۰۰ میلیون مترمکعب است اما در سال‌های اخیر به علت خشک‌سالی و کاهش دبی رودخانه «کرخه» که منبع اصلی تامین حق آب این تالاب به شمار می‌رود، تامین کامل آن با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده که حیات‌وش و زندگی ساکنان منطقه را به مخاطره انداخته است

دیدن ویدیوها و عکس‌های منتشر شده از انبوه ماهی‌ها و بچه‌ماهی‌های بومی مرده در «هورالعظیم» نفس آدمی را بند می‌آورند. این ماهی‌ها در فصل صید روزی صدها خانواده را تامین می‌کردند اما حالا در جهنم سوزان تابستان که آب را از یک سو تحلیل برده و آتش را از سوی دیگر افروخته است، تصویری هولناک ساخته‌اند.

سه سال پیش، در مرداد ۱۴۰۰، بزرگ‌ترین اعتراضات آبی در خوزستان به وقوع پیوست. تصاویر آخرالزمانی از مرگ گاو میش‌های سوخته در آتش و گیر کرده در لجن به جا مانده از تالاب را هنوز همه به خاطر داریم. همان روزها بود که هورالعظیم زیبا که نگین سبز جنوب غرب خوزستان بود، در رسانه‌های داخلی «گورالعظیم» نامیده شد.



او با اشاره استخراج نفت در بستر هورالعظیم می‌نویسد: «در اصل هر چه قدر تالاب هورالعظیم زودتر خشک شود، فرایند استخراج نفت از آن برای دولت عراق راحت‌تر می‌شود. همچنین یکی دیگر از این دلایل، اهمال‌کاری مسایل امنیتی و مرزی دو کشور است. زیرا با آتش‌سوزی و نابودی کامل نیزارها، نگرانی نیروهای امنیتی هر دو مرز کمتر می‌شود. در نتیجه یک توافق نانوشته‌ای در خصوص مهار نکردن آتش‌سوزی در تالاب هورالعظیم وجود دارد، چرا که آن‌ها بدشان نمی‌آید از دست نیزارهای انبوه و منطقه خیس هورالعظیم خلاص شوند. به همین دلیل هیچ‌گاه تالاب هورالعظیم به عنوان تالاب بین‌المللی در کنوانسیون رامسر ثبت نشد.»

راه حل چیست؟ استمرار حق‌آبه هورالعظیم

فعال محیط‌زیستی که با «ایران‌وایر» گفت‌وگو کرده است، درباره راه‌حل کاهش تنش‌های آبی در منطقه جنوب غرب خوزستان به رهاسازی آب و پرداخت حق‌آبه هورالعظیم برای نجات این تالاب تاکید می‌کند و می‌گوید: «خود مقامات محیط‌زیست خوزستان هم به خوبی می‌دانند تنها راه کاهش اثرات ناشی از تبخیر شدید آب در منطقه، رهاسازی آب به تالاب به صورت مستمر است اما به دلایل مختلف این اقدام انجام نمی‌شود.»

«داوود میرشکار»، مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان بعد از انتشار اخبار مرتبط با مرگ بچه‌ماهی‌ها بر اثر عدم تامین حق‌آبه تالاب هورالعظیم گفته است: «پی‌گیری‌ها برای تامین حق‌آبه هورالعظیم از سازمان آب و برق استان انجام شده است اما قوانین مدیریت منابع آب استان اجازه رهاسازی آب در برکه‌های اطراف تالاب را نمی‌دهند.» برکه‌ها و حوضچه‌های اطراف تالاب هورالعظیم زیستگاه بخش قابل توجهی از بچه‌ماهی‌های بومی این تالاب هستند. آب این حوضچه‌ها در تابستان به دلیل گرمای شدید تبخیر می‌شود و حالا این اتفاق منجر به فاجعه مرگ ماهی‌ها در ورودی تالاب هورالعظیم و خارج از مخزن شماره یک شده است.

کاهش عمق آب و در نتیجه کم شدن اکسیژن بوده که منجر به مرگ صدها هزار قطعه ماهی شده است. این کارشناس محیط‌زیست بر این باور است که با وجود بهبود وضعیت ذخایر آبی در دو سال گذشته، مقامات محیط‌زیست در خوزستان برای تامین حق‌آبه این تالاب «کاهلی» می‌کنند و این ناکارآمدی و حتی به باور ساکنان منطقه، سیاست «عامدانه» موجب شده است که نخلستان‌های پایین دست خوزستان خشک و کشاورزی در این منطقه راکد شود: «هدایت پسماندها و فاضلاب‌های صنعتی و ذهاب‌های کشاورزی هم به تالاب، وضعیت آلودگی آب را به شکلی غیرقابل کنترل درآورده است.»

آتش به جان هورالعظیم

پیش از این که خبرها و تصاویر مرتبط با مرگ ماهی‌ها در رسانه‌ها منتشر شوند، گزارشی از آتش‌سوزی بخشی از پوشش گیاهی تالاب هورالعظیم نیز منتشر شده بود. از روز پنج‌شنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۳ نزدیک به ۵۰۰ هکتار از پوشش گیاهی این پهنه عظیم دچار حریق شد که به گفته مسئولان سازمان حفاظت از محیط‌زیست، از بخش عراقی تالاب به بخش ایران سرایت کرده بود. این اتفاق تقریباً هر سال تکرار می‌شود و موضوع غافل‌گیرکننده‌ای برای مقامات محیط زیست خوزستان نیست. آن‌ها اواسط خردادماه سال جاری نیز هشدار داده بودند که با آغاز فصل گرما، احتمال وقوع آتش‌سوزی در بخش عراقی تالاب هورالعظیم وجود دارد با این امید که در مدت زمان باقی‌مانده، وزارت امور خارجه هماهنگی‌های لازم را برای کاهش تبعات این موضوع و همکاری در اطفای حریق با طرف خارجی انجام دهد.

دو هفته از آغاز حریق در بخش عراقی تالاب می‌گذشت و ایران درگیر انتخاباتی غیرمنتظره بود. وزارت امور خارجه و دولت با سرپرست اداره می‌شد و به نظر نمی‌آمد محیط‌زیست و مشکلاتش هم جایی در میان برنامه‌ها و وعده‌های انتخاباتی داشته باشند.

«مجد درویش»، کارشناس و فعال محیط زیست یکی از کنش‌گرانی است که علاوه بر گرما، اقدامات عمدی و اهمال‌کاری‌ها را نیز از جمله دلایل آتش‌سوزی‌های هر ساله در هورالعظیم می‌داند.



ماهی‌های بومی هورالعظیم

«ظهرهای جمعه خوزستان در زمستان و تابستان بوی ماهی از خانه‌ها بلند است.» این را مریم می‌گوید که کودکی و نوجوانی خود را در یکی از شهرهای خوزستان گذرانده است. او می‌گوید: «اغلب ساکنان خوزستان از ماهی‌های بومی منطقه استفاده می‌کنند که تازه‌تر و البته ارزان‌تر امکان تهیه‌اش را دارند. ماهی‌های بیاج، باریک و کوچک و قلمی هستند و در تعداد زیاد در روغن برشته می‌شوند. گربه‌ماهی‌ها را بعضی‌ها دوست ندارند. هزاران بار در بازار ماهی می‌شنیدم که برای توصیفش می‌گفتند طعم گل می‌دهد.»

حالا تماشای تصاویر هورالعظیم حال او را هم خراب کرده است: «عکس‌ها نشان می‌دهند هزاران قطعه از گربه‌ماهی‌ها و بیاج‌های هورالعظیم جان داده‌اند.» ماده سه «آیین‌نامه نحوه حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌ها» درباره نحوه تخصیص حق‌آبه محیط زیستی تالاب‌ها می‌گوید این حق‌آبه باید از رودخانه‌های بالادست آنها پس از تامین آب شرب نسبت به سایر مصارف دارای اولویت تامین شود.

یکی از ساکنان هورالعظیم می‌گوید: «از سه سال پیش وضعیت ما هر سال بدتر شده است. آلودگی‌های هوایی ناشی از آتش‌سوزی روزها در شهرها باقی



می‌مانند. حق‌آبه تامین نمی‌شود و رزق و روزی ما در آب می‌میرد. کمبود شدید آب امان خودمان را می‌برد ولی دیدن جان دادن دامها و ماهی‌ها از همه چیز سخت‌تر است.»

به گفته فعال محیط‌زیستی که با «ایران‌وایر» گفت‌وگو کرده است، وضعیت در این منطقه بعد از خشک‌سالی شدید سال ۱۳۹۷ در خوزستان و آب‌گیری سد «کرخه» بحرانی شد: «تا قبل از آب‌گیری سد کرخه، حجم آبی که به تالاب می‌ریخت حدود شش میلیارد مترمکعب در سال بود، در حالی که بعد از آب‌گیری سد، این میزان به کمتر از ۲۰۰ میلیون مترمکعب رسید که همان هم در سه سال گذشته تامین نشده است.»

آقای مسعود پزشکیان در وعده‌های انتخاباتی خود گفت مشکلات خوزستان را حل می‌کند. این موضوع یکی از مهم‌ترین و تکرارشونده‌ترین مشکلات ما در خوزستان است که دولت‌ها آمده و رفته‌اند اما هیچ کاری برای آن نکرده‌اند.»

منبع: مریم دهکردی سایت ایران وایر

آلودگی با گاز «ازن» در تهران

گزارش‌ها از وضعیت هوای تهران حاکی است، هفته گذشته بعداز رکوردزنی «آلودگی گاز ازن در آسمان پایتخت»، به دلیل کاهش نسبی دمای هوا، به مدت ۲ روز، آلودگی از جنس ذرات معلق حاکم شد.

دنیای اقتصاد: گزارش‌ها از وضعیت هوای تهران حاکی است، هفته گذشته بعداز رکوردزنی «آلودگی گاز ازن در آسمان پایتخت»، به دلیل کاهش نسبی دمای هوا، به مدت ۲ روز، آلودگی از جنس ذرات معلق حاکم شد.

اما طی ۲ روز گذشته، بار دیگر با افزایش نسبی دمای هوا، غلظت آلاینده «ازن» از حد مجاز فراتر رفت. با افزایش شدت گرما، سرعت واکنش فتوشیمیایی تولیدکننده گاز ازن، افزایش می‌یابد و باعث انتشار این گاز سمی سرطان‌زا در هوا می‌شود.

شاخص آلودگی طی دو روز گذشته در سطح ۱۲۹ و ۱۰۹ بوده است. در حال حاضر نیز آلودگی در وضعیت «نارنجی» (شاخص بالای ۱۰۰) است. با افزایش شدت گرما، سرعت واکنش فتوشیمیایی تولیدکننده گاز ازن، افزایش می‌یابد و باعث انتشار این گاز سمی سرطان‌زا در هوا می‌شود. شاخص آلودگی طی دو روز گذشته در سطح ۱۲۹ و ۱۰۹ بوده است. در حال حاضر نیز آلودگی در وضعیت «نارنجی» (شاخص بالای ۱۰۰) است.



بسیاری از مسئولان از علی خامنه‌ای گرفته تا مقامات دیگر جمهوری اسلامی مشکلات و بحران‌های ایران را در حوزه‌های گوناگون «مدیریت» نادرست آن عنوان می‌کنند، اصطلاحی که به تدریج، هم اصول‌گرایان از آن استفاده کرده‌اند و هم اصلاح‌طلبان. فرمان رهبر ایران مبنی بر نیاز کشور به داشتن «مدیران جهادی و انقلابی» نیز از همین گفتمان متأثر بود و این گفتمان را بازتولید می‌کرد. علی خامنه‌ای مدیریت جهادی را در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ۲۰ اسفند ۱۳۹۲ چنین توصیف کرده بود: کار جهادی باید «هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه» باشد.

با وجود این، تجربه دولت سیزدهم ابراهیم رئیسی که «مدیران جوان و جهادی و انقلابی» آن را اداره کردند نشان داد که جوانی، جهادی بودن، مدیریت و انقلابی بودن کابینه یک دولت به تمامی اصول‌گرا، دردی از دردها دوا نکرد، که به آن اضافه کرد. در این نوشته با بررسی مختصری از روند حکمرانی منابع طبیعی و محیط زیست از سوی جمهوری اسلامی، استدلال خواهیم کرد که تأکید بر «مدیریت کارآمد» محیط زیست و منابع طبیعی، تقلیل دادن بحران‌ها و نوعی از مسئولیت‌گریزی است.

مدیریت کارآمد یا سوءمدیریت، معلول است نه علت

صرفاً با «مدیریتی کارآمد» نمی‌توان با بحران‌های زیست‌محیطی در سطح ملی و جهانی روبه‌رو شد. مدیریت ناکارآمد از سوی مقامات، علت اصلی ایجاد بحران‌هایی زیست‌محیطی در ایران و سراسر جهان نبوده است بلکه مدیریت ناکارآمد و ناپایدار، معلول و ثمره نگرشی است که نسبت به زیست‌بوم هژمونی دارد؛ نگرشی که به‌طور خلاصه می‌توان آن را چنین توصیف کرد:

تمام منابع طبیعی و اجزای اکوسیستم زمین در خدمت نیازهای انسان هستند، این منابع پایان‌ناپذیرند و باید برای توسعه اقتصاد و سودآوری، هرچه بیشتر از آنها بهره برد. پیامد این نگرش که زاده ایدئولوژی سرمایه‌داری است و چندین سال است که بر جهان غلبه دارد، استثمار و بهره‌برداری بی‌رویه و بی‌حساب و

گفته می‌شود در مواجهه با ازن، کودکان در معرض بیشترین خطر هستند، زیرا ریه‌های آنان هنوز در حال رشد و تکامل است و معمولاً فعالیت آن‌ها در خارج از منزل در روزهای داغ تابستانی یعنی درست در زمانی که سطح ازن بالاست، زیاد است. همین موضوع احتمال افزایش تاثیرپذیری کودکان از ازن را تقویت می‌کند و در نتیجه ممکن است به شکل آسم در کودکان بروز و ظهور پیدا کند. تنفس ازن همچنین به درد قفسه سینه، سرفه، سوزش گلو و گرفتگی ریه می‌انجامد و علاوه بر آن می‌تواند بیماری‌های ریوی مثل برونشیت را تشدید کند. از گاز ازن به عنوان آلودگی ثانویه یاد می‌شود؛ این گاز از واکنش شیمیایی میان اکسیدهای نیتروژن و ترکیبات آلی فرار ایجاد می‌شود؛ در این میان افزایش دمای هوا و تابش خورشید می‌تواند فرآیند شیمیایی میان اکسیدهای نیتروژن و ترکیبات آلی فرار را سرعت ببخشد به نحوی که بر غلظت ازن در هوا افزوده شود. از آنجاکه تابش نور خورشید و گرما «شرط لازم» برای تسهیل واکنش فتوشیمیایی منجر به تولید گاز ازن است؛ این آلودگی ثانویه عمدتاً در روزهای گرم و نیمه ابتدایی سال بروز می‌کند.

منبع: پایگاه خبری تحلیلی انتخاب

محیط زیست ایران به چه نیاز دارد؟

نسیم روشنایی

مدیریت ناکارآمد و ناپایدار، محیط زیست ایران را به فلاکت نکشانده است. سوال را تغییر می‌دهیم: علت مدیریت ناپایدار و ناکارآمد محیط زیست در ایران چیست و چه می‌توان کرد؟





الهه جعفرزاده: آلودگی هوای محیط به عنوان یک ریسک فاکتور اصلی برای بسیاری از بیماری‌های مزمن شناخته شده است و خطر مرگ زودرس را افزایش می‌دهد. قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا از طریق مکانیسم‌های بیولوژیکی متعدد، از جمله التهاب، استرس اکسیداتیو، آسیب DNA، آسیب کروموزوم و متیلاسیون، خطر بیماری قلبی عروقی، سکته مغزی و افسردگی را افزایش می‌دهد.

تماس مداوم رگ‌های خونی کوچک مغز با میکروذرات بیولوژیکی منجر به التهاب موضعی و ریزخون‌ریزی‌ها در سد خونی مغزی می‌شود که به مرور زمان به اختلال شناختی ختم می‌شود و سپس باعث زوال عقل می‌شود. بنابراین افراد هرچه بیشتر در معرض آلودگی هوا باشند، خطر ابتلا به آلزایمر در آنها بیشتر است. مطالعات اخیر نشان می‌دهد آلودگی هوا به طور مستقیم منجر به به انحطاط مغز می‌شود و خطر ابتلا به بیماری آلزایمر را افزایش می‌دهد. به همین ترتیب، بزرگسالانی که در معرض سطوح بالای آلودگی هوا قرار دارند، بیش از سایرین در شرف ابتلا به بیماری آلزایمر هستند.

آلودگی هوا تاثیر مستقیمی بر دریافت اکسیژن بدن دارد. هنگامی که سموم و مواد شیمیایی محیطی همراه با اکسیژن در خون حل می‌شوند و به سلول‌های مغز می‌رسند، باعث استرس اکسیداتیو می‌شوند. استرس اکسیداتیو مزمن در بافت‌های عصبی به عنوان یک ریسک فاکتور قوی برای آلزایمر محسوب می‌شود.



در مطالعه‌ای که اخیراً بر روی بیش از هزار فرد ۴۵ تا ۷۵ ساله در آتلانتا انجام شد، محققان نشانگرهای

کتاب و تخریب منابع طبیعی و اکوسیستم را مجاز می‌دانند، به شرطی که برای گروهی، هرچند کوچک، ارزش اضافه و سود ایجاد شود. این رویکرد، توسعه اقتصادی را به قیمت از دست رفتن گونه‌های دیگر و ته کشیدن منابع طبیعی و همچنین استثمار انسان‌های دیگر را امری عادی و طبیعی می‌داند.

اما مشکل این رویکرد اینجاست که منابع طبیعی برای استفاده بشر «بی‌پایان» نیستند. بهره‌وری بیش از حد سبب می‌شود برخی از آنها برای همیشه نابود شوند و برخی همچون خاک، پس از صدها سال دوباره خود را بازتولید کنند. روند حیات و ویرانی بر روی زمین و منابع طبیعی آن مانند ساندویچ‌های فست فود مک دونالد عمل نمی‌کنند. دوران احیای طبیعت بسیار طولانی‌تر از عمر انسان‌هاست و اگر استثمار منابع طبیعی از مرز مشخصی بگذرد، گونه‌ای که بیشترین ضرر را متضمن می‌شود، نوع بشر است. بشریت با این رویکرد استثمارگرانه به طبیعت خود را در پرتگاه قله‌ای قرار داده است که از سوپی باید با گرسنگی و فقر و خشکسالی و انقراض خاک مبارزه کند و از سوی دیگر با سیل‌ها و آتش‌سوزی‌های ویرانگر.

(radiozamaneh.com)

تازه‌ترین تحقیقات عنوان می‌کند:

آب و هوا چه ارتباطی به سلامت مغز دارد؟



بر اساس تازه‌ترین تحقیقات، قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا خطر ابتلا به بیماری آلزایمر را افزایش می‌دهد.



فهم مکانیزم‌های مولد بحران زیست محیطی با تمرکز بر دریاچه ارومیه



• ۱۷ ژوئیه، ۲۰۲۴

حمیل رحمانی- سامان غزالی

قسمت اول- دربولتن شماره ۲۶ منتشر شده است

قسمت دوم

چاه‌های خودکفایی

برای ردیابی اولین لحظه‌های شکل‌گیری گفتمان خودکفایی در حوزه‌های نظامی و اقتصادی ایران، می‌توان حداقل تا سرآغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی به عنوان یک حاکمیت سیاسی به عقب برگشت. یکی از معناهای «استقلال» در گفتمان جمهوری اسلامی خودکفایی در عرصه‌های نظامی و اقتصادی بوده و هست. در بُعد اقتصادی، تأکید بر حوزه‌ی کشاورزی بیش از هر حوزه‌ی دیگری برجسته شده است. به طوری که در بند ۱۳ از اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر «تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها» تأکید شده و در بند ۹ اصل ۴۳ نیز به صورتی مشخصتر چنین بیان شده است: «تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله‌ی خودکفایی برساند و

زیستی مثبت بیماری آلزایمر، به ویژه پلاک‌های آمیلوئید، را در مایع مغزی نخاعی شرکت‌کنندگانی یافتند که در معرض آلودگی هوای محیطی و ترافیکی محل سکونت خود قرار گرفتند. این مطالعه که در Perspectives Environmental Health منتشر شد، بزرگ‌ترین پژوهش در نوع خود است که اطلاعات جدیدی را به مطالعات پیشین اضافه می‌کند و بر این مسئله که آلودگی هوا مستقیماً منجر به زوال مغزی می‌شود، صحنه می‌گذارد.

بدیهی است که آلودگی هوا به طور کلی بر سلامت انسان از جمله سلامت مغز مضر است. این مطالعه با نشان دادن رابطه‌ای با سطح پروتئین آمیلوئید در مایع مغزی نخاعی نشان می‌دهد که آلودگی هوا ممکن است خطر ابتلا به بیماری آلزایمر را افزایش دهد. از همین رو گفته می‌شود که با پاکسازی محیطی و کاهش آلودگی می‌توان به کاهش بار بیماری آلزایمر کمک کرد.

تا حد ممکن در معرض آلودگی هوا قرار نگیرید

در روزهایی که شاخص کیفیت هوای محلی شما گزارش می‌دهد که کیفیت هوا پایین و سرشار از آلاینده است، سعی کنید ساعات بیرون ماندن از منزل را محدود کنید و از ورزش کردن در هوای آزاد بپرهیزید. اگر در روزهای آلوده مجبور هستید بیرون از منزل باشید، از ماسکی مانند ماسک ۹۵N استفاده کنید.

کارهای دیگری را انجام دهید که به کاهش خطر آلزایمر کمک می‌کند، از جمله:

یک رژیم غذایی سالم داشته باشید.

به ورزش منظم بپردازید.

فشار خون و قند خون خود را مدیریت کنید.

سیگار را ترک کنید و از مصرف زیاد الکل خودداری کنید.

برگرفته از سایت خبرانلاین



استخراج آب‌های زیرزمینی و سطحی بوده‌ایم. در ماده‌ی هجدهم برنامه‌ی چهارم توسعه آمده است که اجرای طرح‌های توسعه‌ی کشاورزی و منابع طبیعی با محوریت خودکفایی، تامین امنیت غذایی، اقتصادی نمودن تولید و توسعه‌ی صادرات محصولات کشاورزی و ارتقاء رشد ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون (برنامه‌ی چهارم توسعه) لازم‌الاجرا است. تاکید بر توسعه‌ی کشاورزی و امنیت غذایی در برنامه‌ی پنجم و ششم توسعه نیز فاقد هر نوع ملاحظه‌ی اکولوژیکی بود که همین امر موجب ترویج کشاورزی غیرعقلانی و تاکید بر الگوی کشت محصولات آب‌بر شد.

اگرچه مسئولان حکومتی با ارائه‌ی آمارهای نادرست سعی کرده‌اند چنان وانمود کنند که به هدف مورد نظرشان در برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه نزدیک شده‌اند، اما این امر در واقعیت هرگز متحقق نشده است. حال مسئله این است که در مسیر رسیدن به خودکفایی، چگونه طبیعت و مخصوصاً طبیعت مناطق پیرامونی شده‌ی جغرافیای ایران که به لحاظ آب و خاک وضعیت مساعدتری نسبت به مرکز ایران داشته‌اند، قربانی اهداف سیاسی-اقتصادی سیستم حاکم شده‌اند. در بخش قبل توضیح دادیم که سدسازی به عنوان یکی از عوامل مهم در خشک‌شدن دریاچه‌ی ارومیه بر اساس چه سیاست‌ها و برنامه‌ها و در راستای منافع کدام ارگان‌های حکومتی بوده است. در ادامه به زیان‌های گسترش کشاورزی و حفر بی‌رویه‌ی چاه‌های ناشی از آن در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه می‌پردازیم تا نشان دهیم که پراکتیزه شدن گفتمان خودکفایی در عرصه‌ی کشاورزی بدون در نظر گرفتن شرایط لازم برای تحقق آن، به عنوان یکی از عوامل تخریب طبیعت جغرافیای ایران، نابودی دریاچه‌ی ارومیه را تسهیل کرده است.

اصرار بر خودکفایی کشاورزی تحت شرایطی ادامه دارد که نه تنها تکنولوژی مناسب و پیشرفته برای این امر وجود ندارد بلکه تناسبی میان خاک مساعد، آب کافی و جمعیت نیز در وضعیت کنونی وجود ندارد. بنابراین برای افزایش تولید، مسیرهایی انتخاب شده که در نهایت منجر به ویرانی بیشتر طبیعت شده است.

از وابستگی برهاند.» همچنین در سیاستگذاری‌ها، گفته‌ها و سخنرانی‌های رهبران و مسئولان دولتی نیز «خودکفایی کشاورزی» به عنوان یکی اهداف جمهوری اسلامی همواره حضور داشته است.

همچنین، در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ خودکفایی یکی از اهداف توسعه به شمار آمده است. استراتژی‌های توسعه نیز به شدت تحت تاثیر مکتب وابستگی بود. مکتبی که قطع ارتباط با سرمایه‌داری جهانی (غرب) را پیش‌شرط توسعه تلقی میکرد و یکی از راهکارهای مورد پسند جریانات چپ موسوم به جهان سومی نیز بود. همچنین، پس از تشدید تنش‌های میان ایران و آمریکا در سال ۱۳۵۸ و مشخصاً پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران و به دنبال آن تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا، زمینه‌های عملی برای پافشاری بر الگوی خودکفایی از سوی حاکمان جمهوری اسلامی نیز تشدید شد.

بعد از قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین فشار مسئولین رده‌بالای نظام مبنی بر ضرورت بازسازی و سازندگی، خمینی سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی و سازندگی کشور را مشخص نمود. وی با تقدم دادن و اولویت بخشیدن به خودکفایی کشاورزی، مسئولین را مکلف به اجرای آن ساخت: «در امر احیای اراضی و مهار آب‌ها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده‌ی هرچه بیشتر از نعمت‌های بی‌کران الهی در طبیعت تلاش نمایند که مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای است برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر تعیین سیاست‌های کلی نظام نقشه‌ی راهی بود برای مسئولین تا بدون هیچ‌گونه توجهی به ملاحظات محیط زیستی، برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه‌ی دولت‌های خود را تدوین و اجرا نمایند .

در برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه، طرح‌های مرتبط با بخش کشاورزی و آب با گرایش معطوف به حوزه‌ی اقتصاد، بر مبنای الگوی توسعه و دورنمای خودکفایی و بدون ملاحظات محیط زیستی تدوین و اجرا شده‌اند. بر همین اساس در چهار دهه‌ی اخیر شاهد گسترش اراضی کشاورزی، حفر بی‌رویه‌ی چاه و مصرف و



به گفته‌ی یکی از مصاحبه‌شوندگان، «هر کس با دولته می‌تونه بیشتر شخم بزنه، برای مثال یکی از اهالی روستای ما در چند سال گذشته ۳۰ هکتار زمین رو در بخش جنوب شرق روستا شخم زدن. میگن با رئیس فلان نهاد دوست هستن، کسی نمیتونه بگه پشت چشماتون ابرویه». به گفته‌ی کارشناسان، برای هر هکتار زمین زراعی ۹ هزار متر مکعب آب لازم است، بنابراین به راحتی می‌توان تصور کرد که توسعه‌ی زمینهای کشاورزی بدون در نظر گرفتن توانمناجی آبی برای تامین آنها، چه تبعاتی را میتواند برای زیست‌بوم در پی داشته باشد.

گسترش بی‌رویه‌ی اراضی کشاورزی از نشانه‌های رشد نوعی از عقلانیت تخریب‌گرانه است که به دنبال کسب بیشترین سود در کمترین زمان است، آن هم بدون در نظر گرفتن این مهم که طبیعت نه تنها متعلق به همه‌ی زندگان در زمان حال است، بلکه آیندگان نیز در آن سهیم هستند. تغییر کاربری زمین‌های بایر به اراضی کشاورزی در راستای خودکفایی و تامین امنیت غذایی بدون ارتقاء تکنولوژی و مکانیزاسیون در عرصه‌ی کشاورزی، همچنین ترویج الگوی کشت «آب‌بر» و تشویق کشاورزان به کشت این محصولات منجر به افزایش نجومی حفر چاه در ایران شده است، به طوری که که با در نظر گرفتن مساحت کلی ایران، به ازای هر ۱.۶ کیلومتر ۱ چاه وجود دارد. تا قبل از انقلاب، ۴۷ هزار حلقه چاه در ایران وجود داشت، این آمار در دهه‌ی ۶۰ با رشد ۲.۵ برابری به ۱۶۲ هزار حلقه رسید. در سال ۱۳۸۰ رقم چاه‌های حفر شده از ۴۵۰ هزار حلقه نیز عبور را با سر کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و تصویب قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه‌ی بهره‌برداری، آمار چاه‌ها در اوایل دهه‌ی ۱۳۹۰ به ۷۲۶ هزار حلقه رسید. بر اساس نظر کارشناسان، در سال ۱۴۰۰ این آمار از یک میلیون حلقه چاه نیز عبور کرده است.

با این منطق کالای‌سازی، چاه‌های کشور به بالای یک میلیون حلقه رسیده که بیش از یکصد هزار حلقه‌ی آن در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه قرار دارد. مجد صادق معتمدیان، دبیر کارگروه ملی نجات دریاچه‌ی ارومیه، میگوید که نزدیک به ۱۱۵ هزار حلقه چاه در حوضه‌ی

استفاده‌ی بیش از حد از سموم و آفت‌کش‌ها و همچنین مصرف بی‌رویه‌ی کودهای شیمیایی برای افزایش تولید، استفاده و استخراج بیش از حد آب‌های سطحی و زیرزمینی و زراعی کردن زمین‌های بایر، جنگل‌ها و منابع طبیعی، از جمله راه‌هایی است که علی‌رغم تخریب طبیعت به جهت افزایش تولید و امنیت غذایی در پیش گرفته شده است.

سیاست هر چه بیشتر کالایی کردن طبیعت و افزایش تولید محصولات کشاورزی بدون در نظر گرفتن پتانسیل‌های لازم برای این امر، یکی دیگر از عواملی است که سبب کاهش منابع آبی سطحی و زیرزمینی در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه شده و روند خشک شدن دریاچه را تسهیل و تسریع کرده است. بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته، توسعه‌ی کشاورزی در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه در سه دهه‌ی اخیر نسبت به زمان قبل از آن، سه تغییر اساسی را به خود دیده است. افزایش ۲۸۰ درصدی سطح زیر کشت، تغییر الگوهای کشت و حفر چاه سه پدیده‌ی مهم هستند که به مدد هر چه بیشتر کالایی کردن و مکیدن شیره‌ی جان طبیعت برای افزایش تولید و بدون در نظر گرفتن پیامدهای ویرانگر آن در میان مدت و دراز مدت، به مرحله‌ی اجرا درآمده است. به گفته‌ی مرتضی موسوی، مدیر کل حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی خزر و ارومیه، در چهار دهه‌ی گذشته ۲۰۰ هزار هکتار بر سطح زیر کشت حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه افزوده شده است که ۵۰ هزار هکتار آن تنها در پنج سال اخیر بوده است. بر اساس تحقیقات میدانی، در حاشیه‌ی جنوبی دریاچه‌ی ارومیه تنها در روستای «خورخوره» از توابع شهرستان مهاباد، بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هکتار از زمین‌های بایر حاشیه‌ی دریاچه در چهار دهه‌ی اخیر شخم زده شده و به زمین کشاورزی تبدیل شده است. برای مثال، در یکی از نواحی این روستا که به گروس مشهور است و یکی از منابع پایدار کسب معیشت از طریق دامداری بوده است، ۲۰۰ تا ۲۵۰ هکتار از مراتع بکر به زمین‌های کشاورزی دارای پروانه‌ی بهره‌برداری از آب رودخانه‌ی مهاباد که در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه قرار دارد، تبدیل شده است. نکته‌ی قابل تامل اینجاست که کسانی که به حلقه‌های قدرت نزدیک‌تر هستند توان شخم زدن زمین‌های بایر بیشتری را دارند.



تومان بوده که بسیار کمتر از قیمت تمام شده‌ی گندم در کشور است. به گفته‌ی مرتضی موسوی، در حال حاضر حدود ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه برای کشاورزی در این منطقه مصرف می‌شود که بسیار بالاتر از ظرفیت آن است.

منصور سهرابی، اگر اکولوژیست، می‌گوید: «حدود ۹۰ درصد از تولیدات کشاورزی ایران از کشت آبی به دست می‌آید، در حالی که میانگین دنیا تنها ۲۰ درصد است و در حال حاضر ۸۶ میلیارد متر مکعب آب در سال برای کشاورزی در ایران برداشت می‌شود که راندمان آن ۲۸ درصد است. به سخن دیگر، از کل آب مصرفی حدود ۳۳ میلیارد آن مصرف و حدود ۵۳ میلیارد آن (۲۸ میلیارد در انتقال و ۲۶ میلیارد در مزرعه) هدر می‌رود.

بنابر آنچه در این بخش توضیح دادیم، میتوان گفت که تاکید نادرست حاکمیت بر پیگیری خودکفایی کشاورزی در ایران، مخصوصاً در سه دهه‌ی اخیر، منجر به تسریع روند کالایی‌شدن طبیعت در اشکالی چون زراعی کردن جنگل‌ها و مراتع، افزایش مصرف آب‌های زیرزمینی، حفر بی‌رویه‌ی چاه و تغییر الگوی کشت از نوع دیم به آبی شده است. از این رو، برداشت بیش از اندازه‌ی آب‌های سطحی و زیرزمینی در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه، سبب کاهش آب دریاچه شده و در کنار عوامل دیگری که ذکر شد، زمینه‌های خشکی دریاچه را فراهم کرده - اند.

در فرایند کالایی‌شدن یا کالایی‌سازی طبیعت، منابع طبیعی مانند آب، زمین، جنگل و غیره به امور قابل تملک، توارث و خرید و فروش تبدیل می‌شوند. یعنی جدای از ارزش مصرف، ارزش مبادله نیز پیدا میکنند و مالکیتی که قادر به خرید و فروش آنها باشد به وجود می‌آید. از این رو بخشی از طبیعت که باید مالکیت عمومی داشته و صرفاً ارزش مصرف داشته باشد نه ارزش مبادله، به واسطه‌ی منطبق نظام سرمایه‌داری کالایی می‌شوند و به منبعی برای کسب سود گروهی خاص (دولت یا طبقه) تبدیل میشوند.

آبریز دریاچه‌ی ارومیه وجود دارد که بیش از ۷۰ هزار حلقه‌ی آن غیرمجاز است.

در ارتباط با حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه که موضوع اصلی بحث ما در این نوشتار است، لازم است به غیر از عوامل یادشده به مسئله‌ی تغییر الگوی کشت نیز اشاره کنیم، امری که در راستای تولید بیشتر جهت تحقق ایده‌ی خودکفایی انجام گرفته و یکی از عوامل مصرف بیش از اندازه‌ی آب در حوضه‌ی این دریاچه و مسبب کاهش میزان آب ورودی به آن بوده است.

در همین مورد، در یک پژوهش علمی چنین آمده است: «داده‌های جهاد کشاورزی نیز به عنوان شاهد این قضیه بیانگر افزایش سطح زیر کشت آبی از سال ۱۳۹۳ در شهرستان مهاباد و آذربایجان غربی است ... طبعاً این رویکرد از منظر مصارف آب کشاورزی مقرون به صرفه نیست و بار بیشتر به منابع آبی را به همراه خواهد داشت. در واقع، این تصمیمات اقتصادی دولت بوده است که کشاورزان را به این رویکرد سوق داده است و طبعاً تحت این شرایط کشاورزان انگیزه‌های برای کاهش کشت آبی گندم و تبدیل آن به کشت دیم ندارند»^{۱، ۲}. همچنین افزایش تولید چغندر قند و یونجه نیز به همین صورت موجب افزایش مصرف بیش از حد آب در این منطقه شده است. همان‌گونه که گفتیم، دولت در قالب برنامه‌های توسعه، خود متولی تغییر الگوی کشت «آبر» به جای الگوی کشت متناسب با توان اکولوژیکی هر منطقه بوده است. چشم‌اندازهای رشد به جای ترویج محصولات کم‌آبر مانند انگور، باعث ترویج و تاکید بر کشت محصولات آبربری چون گندم، چغندر قند و محصولات باغی مانند سیب شده است. عزیز امانی، مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی، با اشاره به مصرف بی‌رویه‌ی آب در محصولات آبربر، می‌گوید: «هر هکتار از باغ‌های موجود در زیر حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه ۱۲ هزار متر مکعب آب مصرف میکند». «با توجه به بررسی‌های انجام شده توسط کارشناسان، برای تولید یک کیلو گندم یک هزار و سیصد لیتر آب مصرف می‌شود که به ازای هر کیلو گندم، رقمی بیش از ۳۲۵۰۰ تومان (در سال ۱۳۹۹) آب هزینه می‌شود. این در حالی است که به استناد آمار، قیمت خرید گندم در سال زراعی ۹۸-۹۹ مبلغ ۲۵۰۰



حق/ اعمال حاکمیت جمعی یک اجتماع از سوی نیرویی به لحاظ فرهنگی خارجی تعریف میشود [۱].

کامران متین در یادداشتی با عنوان «استعمارزدایی از ایران: یادداشتی اولیه بر استعمار بینا-فروردستی» می‌نویسد: «استعمار بینا-فروردستی به بازسازی ایدئولوژیک مردمان بی‌دولت در سرزمین خود به عنوان «اقلیت‌های اتنیک» توسط دولت‌های پسااستعماری اشاره دارد (هرچند که بدان محدود نمی‌شود) که به لحاظ هستی‌شناختی امنیتی شده و در نتیجه، در معرض نابودی، آسیمیلیاسیون، فرودست‌سازی سیاسی-فرهنگی، و همچنین استثمار اقتصادی، غارت منابع و تخریب محیط‌زیستی قرار می‌گیرند.» به نظر متین، استعمار بینا-فروردستی ناظر بر وضعیت دولت‌های پسااستعماری مانند ایران است که در بعد داخلی حاکمیت ملی را به میانجی سلطه‌ی استعماری بر اقلیت‌های ملی خود اعمال می‌کنند، اما در عین حال این دولت‌ها به لحاظ مادی (ژئوپولیتیک، نظامی و اقتصادی) جایگاهی فرودست را در برابر دولت‌های هژمونیک در نظام سرمایه‌داری جهانی اشغال می‌کنند.

در رویکرد مبتنی بر مفهوم استعمار بینا-فروردستی که نوعی بازنگری مفهوم استعمار داخلی در پرتو امر بین‌الملل و فرایندهای گسترده‌تر «توسعه‌ی ناموزن و مرکب» (متین، ۲۰۰۷) است، میتوان به طور هم‌زمان با در نظر گرفتن تاثیر مخرب سیستم سرمایه‌داری بر محیط زیست، سیاست‌های استعماری دولتمرکزی نسبت به مناطق پیرامونی شده‌های مانند کوردستان، آذربایجان و عربستان در جغرافیای ایران را نیز روئیت‌پذیر کرد.

متین، همچنین در جای دیگری درباره‌ی ماهیت استعماری دولت مدرن در ایران می‌گوید: «تشکیل دولت-ملت متمرکز سرزمینی مدرن در ایران مبتنی بر نفی خشونت‌آمیز عاملیت جمعی گروه‌های فرهنگی از پیش موجود و کانالیزه کردن منابع طبیعی و انسانی آنها در جهت بازتولید نظم سیاسی ناظر بر این نفی بود. از این لحاظ، ماهیت دولت-ملت مدرن ایران در رابطه با ملل یا گروه‌های فرهنگی-زبانی «پیرامونی»، استعماری بوده و هست.

در ایران نیز بخش‌های مختلف طبیعت هر یک به درجات گوناگون در دهه‌های گذشته مشمول کالایی‌سازی شده‌اند. با این حال، هیچ پژوهش جامعی درباره‌ی تاریخ کالایی‌سازی هیچ کدام از عناصر طبیعت و ظرفیت‌های محیط‌زیست در اختیار نداریم. اما مشاهدات ساده و آمارهای پراکنده‌ای که در این مورد وجود دارند به وضوح نشان می‌دهند که استفاده از ظرفیت‌های محیط زیست برای تولید، بیش از پیش افزایش یافته است. مالجو با بررسی لایحه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت یازدهم نشان داده است که رویکرد غالب، گرایش به کالایی‌سازی هر چه بیشتر طبیعت و تقویت ساختارهایی بوده که پیش از دولت یازدهم نیز وجود داشته‌اند. مالجو معتقد است که این دولت «هم امکان خرید و فروش ظرفیت‌های محیط زیست را سهل‌تر می‌کند، هم زمینه‌ی دخالت مضاعف بخش خصوصی در طبیعت را به هوای احیای محیط‌زیست میسرتر می‌سازد، و هم موانع نهادی پیشاپیش ضعیف تخریب محیط زیست در اثر فعالیت‌های اقتصادی سازمان‌های بهره‌بردار از محیط‌زیست را با شدت بیشتری تضعیف می‌کند.»

استعمار بینا-فروردستی و بحران محیط زیستی

عوامل بحران‌زای محیط زیستی در ایران تاریخ طولانی‌تری از حاکمیت جمهوری اسلامی و سرمایه‌داری سیاسی اسلامی دارد که وجه غالب نظام اقتصادی کنونی است. شکل‌گیری دولت-ملت در ایران را می‌توان هم‌زمان با شکل‌گیری یک نظام سلسله‌مراتبی بر اساس مرکز-پیرامون دانست که جغرافیا، فرهنگ و اقتصاد مناطق غیرفارس در ایران را تبدیل به پیرامون و در خدمت یک مرکز فارس-شیعه قرار داد. یکی از عوامل بحران‌های محیط زیستی در مناطق پیرامونی شده‌ی ایران، مانند خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه و تالاب‌هایی مانند هورالعظیم را باید در تبدیل مناطق پیرامونی شده به مستعمره‌های داخلی یا همان چیزی که کامران متین آن را وضعیت «استعمار بینا-فروردستی» مینامد جست‌جو کرد. منظور از فرودست در معنای گرامشپایی آن یعنی انسان یا اقلیتی به حاشیه رانده شده است که توان اعمال قدرت بر جامعه از او سلب شده و استعمار، انکار



مرتبط است با شکلگیری روابط سرمایه‌دارانه، یک بُعد اقتصادی بسیار مهم نیز داشته است. به عبارت دیگر، مناطقی مانند کوردستان تبدیل به پیرامونی شده و برای توسعه‌ی مرکز مورد استثماری قرار گرفته است. منابع ثروت کوردستان، نیروی کار و طبیعت، هر دو در خدمت اقتصاد مرکز جهت توسعه‌ی بیشتر قرار گرفته است. یکی از پیامدهای تدوین و اجرای برنامه های توسعه در ایران که از جمله اقدامات دولت جهت مدرنیزاسیون کشور بوده و نزدیک به هشت دهه سابقه دارد، تعمیق فاصله‌ی مرکز و پیرامون بوده است. این ادعا را به راحتی میتوان با رجوع به آمارهای رسمی نشان داد.

بر اساس رتبه‌بندی مرکز آمار ایران در رابطه با «نسبت کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر به کل جمعیت در سال ۱۳۹۹»، در میان ۳۱ استان ایران، آذربایجان غربی رتبه‌ی ۲۰، ایلام رتبه‌ی ۲۱، کردستان رتبه‌ی ۲۸ و کرمانشاه رتبه‌ی ۲۷ را دارند. در مقابل، استان‌های فارس‌نشین مانند سمنان رتبه‌ی ۱، اصفهان رتبه‌ی ۵، مرکزی رتبه‌ی ۴ و یزد رتبه‌ی ۳ را دارند. بنابراین و با توجه به آمارهای رسمی، توسعه‌نیافته‌ترین استان ایران به لحاظ صنعتی یکی از استان‌های روزهه-لات کوردستان یعنی استان ایلام است و توسعه‌یافته‌ترین نیز یک استان فارس‌نشین یعنی استان سمنان است. همچنین بر اساس متغیر «متوسط درآمد سالانه‌ی یک خانوار شهری» استان‌های کوردستان، ایلام و کرمانشاه به ترتیب در رده‌های ۲۳، ۲۵ و ۲۸ قرار دارند. همچنین بر اساس شاخص بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، استان‌های کرمانشاه، کوردستان و آذربایجان غربی دارای رتبه‌های ۲، ۸ و ۵ هستند. بنابر شاخص‌های فوق، استان‌های روزهه‌لات کوردستان در زمره‌ی ده استان توسعه‌نیافته‌ی ایران قرار دارند. اما در عین حال همین استان‌ها از لحاظ معادن، منابع طبیعی و تولید برخی از محصولات کشاورزی در زمره‌ی ده استان اول هستند. برای مثال، بر اساس رتبه‌بندی مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰، استان‌های کرمانشاه، کوردستان و آذربایجان غربی در میزان تولید گندم که یکی از محصولات و کالاهای اساسی است، به ترتیب در رده‌های ۴، ۵ و ۶ قرار دارند. همچنین استان کرمانشاه بزرگ‌ترین منبع قیر طبیعی در ایران را دارد، در

با در نظر گرفتن رابطه‌ی مرکز-پیرامون به عنوان استعمار داخلی، مناطق مستعمره‌ی داخلی نه تنها به طور قابل توجهی از مواهب منابع خود بهره نخواهند برد، بلکه از تخریب اقتصادی و زیست محیطی ناشی از استخراج منابع طبیعی نیز رنج می‌برند. علاوه بر این، روابط مشابه در درازمدت منجر به ظهور و تشدید درگیری، خشونت و ناامنی انسانی و زیست محیطی نیز می‌شود. ما در بخش‌های قبل نشان دادیم که سرمایه‌داری در ایران و مشخصاً در دوره‌ی حاکمیت جمهوری اسلامی چگونه به عنوان یک نیروی تخریبگر طبیعت (در نمونه‌ی موردی دریاچه‌ی ارومیه) عمل کرده است، در ادامه‌ی این بخش تلاش می‌کنیم نسبت میان نابودی دریاچه‌ی ارومیه به مانند بخشی از طبیعت یک منطقه‌ی پیرامونی شده و سیاست‌های استعماری دولت ایرانی در این مناطق را نشان دهیم.

در نظام جهانی مدرن تشکیل دولت-ملت‌ها با ظهور و گسترش سرمایه‌داری در ارتباط بوده است، البته این امر لزوماً به معنای ارتباط زیربنا / روبنایی نیست. جهان‌شمول بودن نسبت میان تشکیل دولت-ملت با سرمایه‌داری نیز به این معنا نیست که ما در تمام وضعیت‌ها با یک شکل از رابطه‌ی سرمایه‌داری و دولت روبرو هستیم، بلکه بنا به وجود مدرنیته‌های چندگانه و تجارب متفاوت از مدرنیته در وضعیت‌های مختلف، اشکال متفاوتی از این رابطه وجود داشته و دارد.

دوره‌ی پهلوی اول را می‌توان به عنوان مهمترین لحظه در لحظات آغازین تعامل سرمایه‌داری و دولت در ایران به حساب آورد. کامران متین معتقد است که «معماری سیاسی مدرن ایران به‌مثابه‌ی یک دولت-ملت از آغاز با روند انکشاف طبقاتی سرمایه‌دارانه در ایران در تعامل بوده و به آن «فراعتین» بخشیده و به تبع آن هیرارش‌های [سلسله مراتب] سیاسی، طبقاتی و اجتماعی در ایران کاملاً از سلطه‌ی رسمی یا هژمونیک «فارسی»/«فارس» متأثر بوده‌اند». سلطه‌ی رسمی یک ملت بر دیگر ملت‌ها در جغرافیای ایران، پیامدهای مختلفی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته که در نتیجه‌ی آن، مناطق فارس/ شیعه به مرکز و مناطق غیرفارس غیرشیعه به پیرامون تبدیل شده‌اند. این نسبت جدید میان فارس و غیرفارس در ایران که



با توجه به آمارهای ذکر شده و موجود و همچنین توضیحات ارائه شده در بخش چاه‌های خودکفایی، به راحتی می‌توان گفت که منابع مناطق پیرامونی شده‌ای همچون روزه‌هلات و دیگر مناطق پیرامونی شده‌ی جغرافیای ایران در خدمت مرکز قرار دارند. این منابع و امکانات برای تولید و نیازهای دولت-ملت تکرگه‌ی فارس/شیعی مورد غارت و استثمار قرار می‌گیرند.

ترویج کشاورزی غیرعقلانی و الگوهای کشت مغایر با وضعیت اکولوژیکی مناطق پیرامونی شده یکی از مصداق‌های استثمار داخلی در عرصه‌ی محیط زیست است. افزایش مصرف آب با گسترش اراضی کشاورزی و کشت محصولات آبربری همچون گندم از طرفی و از طرف دیگر رتبه‌های نخست مناطق پیرامونی شده‌ای همچون خوزستان و کوردستان در تولید محصولات آبربری مانند گندم، نشان از ارتباط مستقیم گفتمان خودکفایی با استثمار داخلی دارد که با غارت منابع و استثمار آب، خاک و مردمان مناطق پیرامونی شده توسط طبقه‌ی فرادست، بار محقق شدن خودکفایی را بر دوش فرودستان قرار می‌دهد. نظام سیاسی ایران هم‌زمان می‌کوشد با توسل به استثمار مناطق پیرامونی شده خود را از وضعیت فرودستی در نظام سرمایه‌ی خارج سازد.

در مورد دریاچه‌ی ارومیه، همان‌طور که در بخش‌های قبل نیز توضیح داده شد، عواملی مانند سدسازی، حفر چاه‌های عمیق و توسعه‌ی کشاورزی بیشترین تأثیر را در خشکی این دریاچه‌ها داشته‌اند. این که آب‌هایی که توسط این سدها ذخیره می‌شوند به کجا می‌روند و افزایش سطح زیر کشت کشاورزی به قیمت از بین بردن مراتع و جنگل‌ها در یک وضعیت توسعه‌نیافته‌ی صنعتی همچون کوردستان چه زیان‌هایی به طبیعت وارد می‌کند، می‌تواند ما را در درک این مهم یاری رساند که مناسبات مرکز-پیرامون، مخصوصاً از نوع استثمار داخلی، طبیعت یک منطقه‌ی پیرامونی شده را که مهم‌ترین ثروت مردمان آن به شمار می‌آید، در معرض نابودی قرار می‌دهد و به تبه آن، شالوده‌ی زندگی اجتماعی را نیز به خطر می‌اندازد.

حالی تولید کالای حاصل از این ماده در خارج از کرمانشاه انجام می‌گیرد و در داخل استان صرفاً استخراج آن صورت می‌گیرد. این آمارها حاکی از آن است که بر اساس سیاست‌گذاری‌های دولت، نقشی که برای کوردستان در ساختار اقتصادی ایران تعیین شده، صادرکننده‌ی مواد خام است نه تولیدکننده‌ی صنعتی.

در چنین وضعیتی دو منبع اساسی ثروت در کوردستان، یعنی طبیعت و نیروی کار، در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. از طرفی نیروی کار جوان برای یافتن شغل به مناطق مرکزی ایران که محل استقرار صنایع بزرگ است، مهاجرت می‌کند، و از دیگر سو طبیعت کوردستان به عنوان صادرکننده‌ی مواد خام برای صنایع مستقر در مرکز مورد بهره‌برداری و تخریب قرار می‌گیرد. به علاوه، در وضعیتی که سطح مناسبی از توسعه‌یافتگی صنعتی وجود ندارد، مردم برای تأمین نیازهایشان مجبور به تخریب هرچه بیشتر طبیعت می‌شوند. در اینجا می‌توان از خود پرسید، اگر صنایع بزرگ و آبربر ایران در مناطق مرکزی متمرکز نبودند و به صورت متوازن و بر اساس پتانسیل‌های مناطق مختلف تعیین مکان می‌شدند، احتمالاً امروز حداقل نیاز به پروژه‌های عظیم انتقال آب از کوردستان به مناطق دیگر نبود و وضعیت محیط زیست این منطقه نیز به گونه‌ی دیگری می‌بود.



عکس ۲: تجمع فعالان محیط‌زیستی کوردستان در اعتراض به پروژه‌های سدسازی و انتقال آب



گذشته است، بنابراین با چشم‌اندازی تاریخی این موضوع را بررسی کردیم. از این رو، نیروهایی با تاریخ و خاستگاه‌های مختلفی را شناسایی کردیم که در نقطه‌ای مشخص با هم تلاقی کرده‌اند و موجب پدید آمدن وضعیتی شده‌اند که مهم‌ترین پیامد آن تخریب و نابودی محیط زیست است.

در گفتمان‌های فرهنگی و در تبلیغات حکومتی اگرچه بر نقش مخرب عامل انسانی بر وضعیت محیط زیست تاکید شده، اما چنان بازنمایی می‌شود که گویا افرادی منفرد و جدا از هم تصمیمات نابردانه و منفعت‌طلبانه - ای می‌گیرند و در نتیجه‌ی این تصمیمات فردی چنین وضعیتهای دهشتناکی به وجود آمده است. اغلب نیز عامل اصلی نابودی و تخریب محیط زیست به فرهنگ کنش‌گران تقلیل داده می‌شود. در گفتمان‌های اصلاح - طلبانه نیز علت اصلی بحران به سوءمدیریت و بی‌کفایتی مسئولانی که فاقد خرد مدیریتی‌اند، تقلیل داده می‌شود. بنابراین، بر اساس چنین رویکردهایی که پاسخ مسئله را به فرهنگ مردم یا بی‌خردی مسئولان تقلیل می‌دهند، نقش ساختارهایی که در طول زمان شکل گرفته و بازتولید می‌شوند تا منافع گروه‌های خاصی از مردم و حاکمیت را تامین کنند، پنهان و روئیت‌ناپذیر می‌شود.

ما در این مقاله تلاش کردیم عوامل اصلی خشک‌شدن دریاچه‌ی ارومیه را با استفاده از مفاهیمی مانند سرمایه‌داری سیاسی، استعمار بینافروستی و تحلیل گفتمان خودکفایی توضیح دهیم تا از این رهگذر وجه ساختاری و تاریخی این وضعیت را روئیت‌پذیر کنیم. شیوه‌ی مواجهه‌ی ما با واقعیت مورد بحث به میانجی مفاهیمی که به کار برده‌ایم، نشان می‌دهد که زمینه - های تخریب محیط زیست در ایران چنان گسترده و عمیق است که تا زمانی که تحولات ساختاری رادیکال در این جغرافیا روی ندهد و ساختار سیاسی و اقتصادی آن به طور ریشه‌ای دگرگون نشود، همچنان محیط زیست به طور بسیار جدی در معرض نابودی خواهد بود، و این تخریبات بالاخص در مناطق پیرامونی شده می‌تواند بسیار شدیدتر باشد.

غارث منابع طبیعی کوردستان از روش‌های مختلفی انجام می‌گیرد. برای مثال، دولت از طریق سدسازی و انتقال آب‌هایی که در سدها ذخیره می‌شود، یکی از منابع طبیعی و ثروت مردم را به مناطق مرکزی منتقل می‌کند، امری که مصداق غارت به شمار می‌رود. مواد خام و معادن نیز بر اساس همین منطق غارت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. محصولات کشاورزی کوردستان نیز به دلیل عدم وجود صنایع مرتبط برای فرآوری آنها و تبدیل شدن به ارزش افزوده، به خارج از این منطقه منتقل شده و در نتیجه به انباشت سرمایه در مرکز می‌انجامد. از همین رو و بر اساس منطق استعماری داخلی، زمین، آب، معادن و نیروی کار پیرامون در خدمت انباشت ثروت در مرکز قرار می‌گیرد. به عبارت گویاتر، تخریب پیرامون در خدمت توسعه و رفاه مرکز قرار می‌گیرد.

سخن پایانی

وضعیت کنونی دریاچه‌ی ارومیه را باید به عنوان جزئی در درون یک کلیت نگریست تا بدین ترتیب عوامل ساختاری تولید و بازتولید آن را در یک نظام بحران‌زا فهم کرد؛ نظامی که بوم‌گشی به یکی از ویژگی‌های اصلی آن تبدیل شده است. از این منظر، آنچه بر دریاچه‌ی ارومیه گذشته، نه یک استثناء بلکه قاعده‌ای است که اکنون در نظام جمهوری اسلامی ایران به طور منظم بازتولید می‌شود. سیستم حاکم بر جغرافیای ایران یکی از بنیان نابودی زیستگاه‌های محلی و اجتماعات بومی در طول چهار دهه‌ی گذشته بوده است. تخریب تنوعات زیستی، نابودی جنگل‌های زاگرس، خشک شدن تالاب‌ها و رودهای دائمی، فرونشست دشت‌های فلات مرکزی به دلیل استخراج بی‌رویه‌ی آب و تخلیه‌ی روستاها و کوچاندن اجباری روستاییان به حاشیه‌ی شهرها، جملگی پیامد سیاست‌ها و مداخلات برنامه‌ریزی شده‌ای است که اکنون نیز با قوت ادامه دارد.

ما در این نوشتار در تلاش برای توضیح این مساله بودیم که وضعیت کنونی دریاچه‌ی ارومیه محصول زنجیره‌ای از تصمیم‌ها، عمل‌ها و برهم‌کنش‌های نیروهای مختلف در دوره‌ی زمانی حداقل نیم قرن



<https://govarikomar.com/%d9%81%d9%87%d9%85-%d9%85%da%a9%d8%a7%d9%86%db%8c%d8%b2%d9%85-%d9%87%d8%a7%db%8c-%d9%85%d9%88%d9%84%d8%af-%d8%a8%d8%ad%d8%b1%d8%a7%d9%86-%d8%b2%db%8c%d8%b3%d8%aa-%d9%85%d8%ad%db%8c%d8%b7%db%8c-%d8%a8/>



ته سیگار رتبه یک پس مانده در جهان را دارد .
سالانه 4.5 تریلیون عدد ته سیگار روی زمین
انداخته میشود که هرکدام به مدت 5 تا 400
سال برای تجزیه نیاز دارند !

در چند دهه‌ی گذشته حرکت‌های محیط زیستی در برابر تخریب محیط زیست در ایران شکل گرفته که به دلایل مختلف نتوانسته است مانعی جدی در برابر سیاست‌ها و عملکردهای ویرانگر دولت در حوزه محیط زیست ایجاد کند. فعالان و پژوهش‌گران حوزه محیط زیست غالباً گفتمان توسعه و سیاست‌های برآمده از آن را که توسط دولت اجرایی شده است، به عنوان مهم‌ترین عامل تخریب محیط زیست معرفی می‌کنند. در برابر این گفتمان، گفتمان‌های مختلفی ظهور کرده که به مبنای نقد سیاست‌های دولت در ایران تبدیل شده‌اند. یکی از پرطرفدارترین این گفتمان‌ها، «توسعه پایدار» است که گزاره‌های اصلی آن مبنای بسیاری از پژوهش‌های علمی برای توضیح و نقد عملکرد دولت در حوزه محیط زیست و به طور خاص در مورد دریاچه ارومیه است.

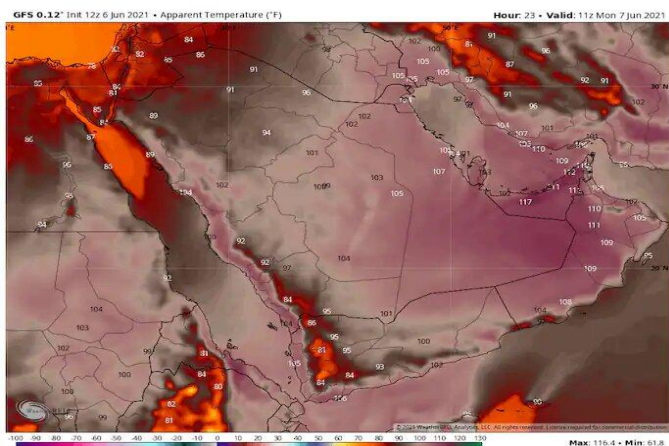
به نظر ما گفتمان توسعه پایدار اساساً گفتمانی اصلاح‌گرایانه و دولت‌محور است که از بطن دکترین اقتصادی سرمایه‌سرباورده و با پیشنهاد اتخاذ سیاست‌های مشارکتی در رشد اقتصادی، در پی سازگار کردن حفاظت از محیط زیست با بهره‌برداری از طبیعت است. این گفتمان قادر به رویت‌پذیر کردن ساختارهای بنیادین تخریب در جغرافیای ایران نیست و به راحتی در درون گفتمان حاکم ادغام می‌شود. به همین دلیل، ما رویکرد نظری دیگری را به کار گرفتیم تا از طریق آن نقش ساختارهای قدرت و ثروت در ایران را که ترکیبی از سرمایه‌داری سیاسی و استعمار داخلی است، برجسته کنیم و نشان دهیم که تخریب محیط زیست در ایران ریشه در نوع روابط مالکیت و مناسبات قدرت در نظام جمهوری اسلامی دارد. از این رو تا زمانی که یک تغییر بنیادین در وضع موجود روی نهد و بسترهای لازم برای «کالای‌زدایی» از طبیعت و «استعمارزدایی» از زندگی و سیاست در مناطق پیرامونی شده روی نهد، مرگ اکوسیستم‌ها روند سریعتری به خود گرفته و تکرار فجایعی مانند خشک‌شدن دریاچه ارومیه به امری عادی تبدیل می‌شود .

برای مشاهده منابع و پانویس‌ها به لینک زیر
مراجعه شود .



پدیده «گنبد حرارتی» در منطقه غرب آسیا

شکل‌گیری گنبد حرارتی بی‌سابقه در غرب آسیا / مشاهده قطع برق در ترکیه، عربستان و کویت



به گزارش گروه اقتصادی خبرگزاری دانشجو، هجوم شدید گرما در تابستان سال جاری به شکل‌گیری گنبد حرارتی بی‌سابقه در غرب آسیا منجر شده و بر اساس اعلام سازمان هواشناسی متوسط دمای این منطقه از جهان نسبت به میانگین بلند مدت تا ۳ درجه افزایش پیدا کرده است.

اتفاق بی‌سابقه‌ای که شبکه‌های برق اکثر کشورهای منطقه را با مشکلات جدی روبرو کرده است و مستند به اخبار و اطلاعات موجود در کشورهایمانند ترکیه، عربستان و کویت قطعی‌های گسترده برق اعمال شده است.

روزنامه‌السیاسه کویت در همین رابطه ۲۰ ژوئن (۳۱ خرداد سال جاری) از قطع گسترده برق در استان حولی و منطقه سلوی خبر داد و خبرگزاری عربی زبان ارقام نیز از قطع گسترده برق در مناطق شمالی ریاض پایتخت عربستان سعودی خبر داد.

اخبار و مقالات خارجی

آتش‌سوزی جنگل‌ها در غرب کانادا



مسئولان در شهر تورپستی جاسپر در کانادا می‌گویند پس از گسترش آتش‌سوزی طبیعی روز سه‌شنبه (۲ تیر/۲۳ ژوئیه) ۲۵ هزار نفر مجبور به فرار از این شهر شدند و ساختمان‌های آن همچنان در آتش می‌سوزند.

این آتش‌سوزی ابتدا از پارک ملی جاسپر آغاز شد سپس گسترش یافت. مسئولان این پارک ملی در شبکه ایکس نوشتند که این آتش‌سوزی باعث «خسارات زیاد» در داخل شهر شده است.

اخیراً صدها مورد آتش‌سوزی طبیعی و جنگلی در استان‌های غربی آلبرتا بریتیش کلمبیا رخ داده است.

به گزارش اداره خدمات آتش‌سوزی طبیعی بریتیش کلمبیا در هفته گذشته پس از سه هفته گرمای شدید، بیش از ۵۸ هزار مورد صاعقه در این منطقه اصابت کرده است که باعث بروز آتش‌سوزی‌های جدید شده است.

حدود ۱۹۰۰ آتش‌نشان از استان آلبرتا به این شهر اعزام شده‌اند که با همکاری نیروهای کمکی اعزام شده از آلاسکا و استرالیا در تلاش برای نجات زیرساخت‌های محلی از آتش‌سوزی هستند.



۶۳ میلیون نفر از ساکنان کره زمین (حدود یک درصد کل ساکنان زمین) که ثروتمندترین افراد دنیا هستند، در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ دو برابر افراد فقیر دی‌اکسید کربن وارد جو زمین کرده‌اند.

بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ هم به این دلیل انتخاب شده که در این مدت انتشار آلاینده‌های محیط زیست در سراسر دنیا دوبرابر شده است.

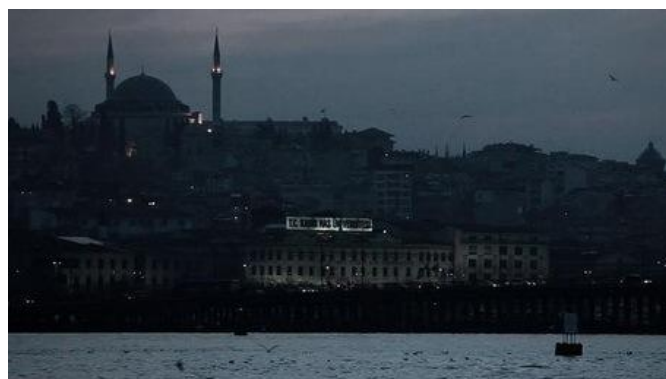
آکسفام تاکید می‌کند که این دوبرابر شدن میزان آلاینده‌ها در این بازه زمانی، به ۱۰ درصد ثروتمند کره زمین (۶۳۰ میلیون نفر) مربوط است و نه آنطور که اغلب فرض می‌شد به طبقه متوسط. ۵۲ درصد انتشار گاز دی‌اکسید کربن در جو زمین در فاصله زمانی مورد مطالعه توسط همین ده درصد صورت گرفته است.

۱۵ درصد از کل دی‌اکسید کربن تولیدشده در زمین از سوی یک درصد جمعیت جهان تولید شده و ۳۷ درصد بقیه را بخش دیگر ثروتمندان. این در حالی است که نیمی از جمعیت جهان که بخش عمده آن را اقشار کم‌برخوردار تشکیل می‌دهند مسئول تولید تنها ۷ درصد دی‌اکسید کربن است.

مسئول در این میان سیاستی است که بر مصرف‌زدگی بنا شده، رشد اقتصادی دائمی را وعده می‌دهد و از نظر اقتصادی جهان را به دو گروه برندگان و بازندگان تقسیم کرده است.

در حقیقت بهای شهوت مصرف ثروتمندان را اکثریت فقیر می‌پردازند.

قطع برق و رکورد مصرف آن در ترکیه



در کشور ترکیه نیز به دنبال افزایش شدید دما و مصرف بالای برق مشکلات جدی برای شبکه سراسری برق این کشور ایجاد شد و آن طور که پایگاه خبری «ozgurkocaeli.com» اعلام کرده است، رکورد مصرف برق ترکیه روز گذشته با ثبت عدد یک میلیون و ۱۴۷ هزار و ۸۴۸ مگاوات ساعت در شبانه روز شکسته شد و دولت ترکیه برای حفظ پایداری شبکه به ناچار در بسیاری از مناطق از جمله استانبول، آنتالیا، ازمیر و قونیه خاموشی گسترده اعمال کرد.

در ایران نیز با وجود پایداری شبکه و تأمین حداکثری برق در نقاط مختلف کشور این گنبد حرارتی در کنار گرد و غبار و ابرناکی هوا به افزایش شدید دمای هوا و احساس بیشتر گرما منجر شده که همین مهم تقاضای مصرف برق خانگی کشور را با افزایش غیرمعمول و بی‌سابقه ۱۵ درصدی نسبت به فصل گرم سال گذشته رو به رو کرده و به حد نصاب بی‌سابقه ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات رسانده است.

[https://lastboom.ir/news/181267/..](https://lastboom.ir/news/181267/)

جهت تماس با بولتن محیط زیست

bulletinenviro@gmail.com

آکسفام: ثروت قاتل محیط زیست است

بواساس نتایج یک تحقیق هرچه انسان‌ها ثروتمندتر باشند، بیشتر به محیط زیست آسیب می‌رسانند. موسسه توسعه آکسفام این تحقیق را منتشر کرده است.